

دکتر منوچهر مدرس نراقی

بیماری‌های روانی و تأثیر آن در بروز اختلافات زناشویی

مطلب فوق را میتوان از دو دیدگاه مطالعه کرد :

۱ - اختلافات زناشویی خود سبب بروز یک سری بیماری روانی میگردد که در این موارد در ایجاد بیماری روانی نقش آشکار کننده‌بازی میکند .

بعنوان مثال در سبب شناسی بسیاری از بیماری‌های روانی مانند افسردگی ، نوروزها ، اسکیزوفرنی اعتیادهای دارویی والکلیسم میتوان از آن بعنوان عامل استرس‌زایی که شخص مستعد به این حالات مرض را ممکن است به بیماری سوق دهد نام برد .

۲ - مطلب دیگری که باید بطور اجمال به آن اشاره شود نقش هر یک از بیماریهای روانی در بروز اختلافات زناشویی و نقش میدان محل روانپزشک ، روان شناس بالینی ومددکار اجتماعی در حل مشکلات خانوادگی بیماران روانی است .

همانطور که میدانیم مهمترین عامل برای زندگی زناشویی موفقیت آمیز وجود سلامت فکر در زوجین است چه دو شخصیت هیچگاه نمی توانند صددرصد یکجور بوده وتوافق روان کامل داشته باشند و در واقع در صورتی زندگی زناشویی بدون اختلافات شدید خواهد بود که طرفین بتوانند با واقع بینی و رد وبدل کردن منطق افکار واحساسات موفق باشند و از طرفی احترام به تمایلات و آرزوهای طرف مقابل نشان دهند و با داشتن ابتکار در حل مشکلات و قدرت برقراری روابط عاطفی عمیق بتوانند از برخورد خصوصیات متضاد روانی

که کم و بیش در هر زن و شوهری وجود دارد بکاهند . بیماریهای روانی به انواع گوناگون در این امر حیاتی اختلال ایجاد کرده و باعث بروز اشکالات مختلفی میشوند که در اینجا به ذکر مهمترین آنها میپردازیم .

۱- اختلالات شخصیتی و ازدواج -

گوئی ، سوءاستفاده از طرف مقابل (مثل حقه زدن به طرف مقابل برای منظوره های مادی و عدم رعایت اصول اخلاقی وجدانی ازدواج) رفتار کردن مطابق دلخواه خود برای ارضاء تمایلاتش و در نتیجه عدم توجه به تمایلات زوج خود و عدم قبول مسئولیت های ازدواجی و غیره باعث از هم پاشیدگی زندگی زناشوئی می شود .

معنادین به الکل و مواد مخدر با دیر آمدن به منزل و انجام رفتارهای غیرعادی با اعضای خانواده موجب آشفته گی روابط زناشوئی و از طرفی فرد معتاد بودجه خانواده را بطور قابل توجهی صرف اعتیاد و در نتیجه مشکلی بر مشکلات خود اضافه میکند .

شخصیت های بی تفاوت Inadequate همواره در انجام وظائف خانوادگی ، شغلی و اجتماعی خود عاجز و ناتوانند و اینگونه شخصیت ها قادر به تشکیل خانواده نیستند و در صورت ایجاد خانواده کمتر میتوانند آنرا به نحو مطلوب حفظ کنند .

شخصیت های اسکیزوئید قادر به دادن توجه با مهر و محبت و سایر عواطف لازم به طرف مقابل نیستند و اگر طرف چنین شخصیتی نداشته باشد کمتر قادر به تحمل خواهد بود و در نتیجه ادامه زندگی زناشوئی مشکل است .

در شخصیت هیومانیک بذل و بخشش و عدم قدرت نگهداری مالی اغلب باعث بروز اختلاف میگردد .

شخصیت پارانوئید با سوءظن های بی مورد خود سبب رنجش و ناراحتی دائمی همسرش میشود . شخصیت وسواسی با ایرادگیری و توجه بیش از حد به جزئیات سبب سلب آسایش اعضای خانواده است .

شخصیت های مطیع و مهاجم Passive Agressive با رفتار خود سبب اختلافات زناشوئی میشود .

شخصیت آستینک انرژی لازم برای رسیدگی به امور شغلی و خانوادگی خود ندارد .
- بیماریهای روانی و ازدواج :

اختلالات نوروتیک

بطور کلی نوروها نقش مهمی در بهم زدن کانون زناشویی دارند در نورو اضطراب بواسطه عدم آرامش و احساس دلشوره و اضطراب دائم یکی از زوجین ممکن است موجبات نا آرامی تمام اعضای خانواده را فراهم نماید غالبا " شخص مضطرب سعی می کند دلائل ظاهری برای نا آرامی خود بیابد که غالبا " بصورت ایرادگیری از طرف مقابل (مکانیسم دفاعی که بیشتر بصورت فرافکنی Projection تظاهر میکند از طرف دیگر قوه قضاوت به سبب اضطراب مختل شده و سبب بروز کشمکشهای شدیدی در روابط زناشویی خواهد شد. در اینجا باید توجه داشت که حالات اضطرابی شدید سبب انواع واقسام اختلالهای جنسی از جمله ناتوانی جنسی در مرد و سردمزاجی در زن شده و این کیفیت بنوبه خود میتواند در بهم زدن کانون خانواده نقش مهمی بازی کند .

نوروز هیستری

زن هیستری بطور ناخود آگاه شیفته پدر خود مییابد و قادر به برقراری ارتباط عاطفی روانی و جنسی مناسب با شوهر خود نمیباشد و تظاهرات این کشمکش روانی همیشه باعث خرابی روابط زناشویی است .

نوروز فوبی

زن یا مرد مبتلا به نوروز فوبی بعلت ترسهای بی منطق که از اشیاء یا مکانها یا اشخاص دارند ادامه زندگی مشترک را لاقول در بسیاری موارد برای شریک زندگی غیر ممکن میسازد .

نوروز وسواس

شخص مبتلا به نوروز وسواس با خورده گیریهای بیمورد و تمایل شدید به کامل بودن کلیه امور بطور مطلق و تکرار غیر منطقی حرکات و رفتارهای وسواسی سایر افراد خانواده راه ستوه آورده و ادامه زندگی را برای آنها غیر قابل تحمل میکند .

نوروز افسردگی

در نوروز افسردگی علاوه بر آنکه علائم بیماری از جمله کاهش انرژی و میل جنسی ، بی خوابی و بی اشتهائی اگر مدتی طولانی ادامه یابد سبب انواع واقسام مشکلات خانوادگی از جمله محدودیتهای اقتصادی و بهم خوردن روابط جنسی زن و شوهر خواهد شد و همینطور روابط اجتماعی خانواده نیز بطور شدیدی متزلزل میشود و در نتیجه خانواده سردوبی روح شده و در بسیاری موارد به از هم پاشیدگی میانجامد . در موارد شدید افسردگی که افکار و یا اعمال خودکشی وجود دارد اثرات زیان بخشی بر روابط زن و شوهر و کودکان خواهد داشت .

نوروز هیپوکندری

در این حالت توجه شخص همیشه معطوف به خود بوده و همسر و مسائل خانوادگی را فراموش میکند و طبیعتاً " یک چنین وضعی برای دیگر افراد خانواده فوق العاده ناخوشایند است .

پیسیکوزها

این حالات که شدیدترین نوع بیماریهای روانی است به سبب اختلالات فکری و قطع رابطه با واقعیتها سبب بروز اختلافات و نابسامانیهای زندگی زناشویی میگردد . حمله های حاد اسکیزوفرنی ممکن است ضربه های روحی شدید به همسر و خانواده وارد کند در اسکیزوفرنی پارانوئید سوء ظن به همسر و اتهامات وارده عرصه را به همسرتنگ میکند . انواع ساده اسکیزوفرنی و همنفرنیک با زندگی ازدواج منافات کامل دارد و نوع اسکیزوفرنی مزمن بعلت بی تفاوتی عاطفی و عدم قدرت انجام وظائف مختلفه سبب ایجاد همه گونه عدم هماهنگی ازدواجی میشود .

در پسیکوزمانیک دپرسیو حمله های شدید مانیک غیر قابل تحمل برای خانواده بوده و گاهی باعث از بین رفتن تمام ثروت خانواده میشود . از طرف دیگری بندوباری های شخص در معاشرت با جنس مخالف سبب بروز عواقب وحشتناکی برای خانواده میباشد . در مراحل افسردگی نیز بیمار بعلت عواملی که در افسردگی نوروتیک بیان شد منتهی با شدت بیشتر گانون خانواده در معرض خطر پریشانی قرار میگیرد . با در نظر گرفتن موارد

فوق الذکر ملاحظه میشود که اختلالهای روانی هر یک تا چه اندازه در بر هم زدن کانون خانواده نقش مؤثری بازی میکنند و این واقعتهای بالینی موید نقش روانپزشک، روانشناس بالینی و مددکار اجتماعی در تحکیم روابط خانوادگی و پیشگیری از بهم خوردن پیوندهای زناشویی است.

REFERENCES

Comprehensive Textbook of Psychiatry, Alfred M. Freedina M.D. and Harold. I. Kaplan, M.D. (1974).

Clinical Psychiatry, Mayer-Gross Slater and Roth 1970.

Guide to Psychiatry. Myre Sim 1969.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی